

# فاطمه بنت اسد(علیها السلام)

## پیشگام در عرصه ایمان و هجرت

محمدجواد رودگر<sup>0</sup>

### چکیده

شخصیت والا و برتر **فاطمه بنت اسد**(علیها السلام) از بانوان مجاهد و مهاجر صدر اسلام از دو زاویه حقوقی و حقیقی مورد توجه است: نقش ایشان نسبت به پیامبر اکرم(صلی الله علیه وآله) و تربیت حضرت علی(علیه السلام). علاوه بر این، از ابعاد و ساحت های معرفتی، ولایی، جهادی و حضور و ظهور در عرصه های فرهنگی، سیاسی و اجتماعی ایشان نیز سخن به میان می آید. از جمله ایمان آگاهانه، بصیرت در دین و پایداری در حفظ و گسترش ارزش های اسلامی، تقرب وجودی و ایدئولوژیکی ایشان به پیامبر(صلی الله علیه وآله) و حضرت علی(علیه السلام)، زن نمونه بودن، برخورداری از عقلانیت و معنویت گرایی.

کلیدواژه ها: فاطمه بنت اسد، جهاد، هجرت، عقلانیت، ولایت.

### مقدمه

شناخت تحلیلی و فراگیر شخصیت والای فاطمه بنت اسد(علیها السلام) از دو جهت ضروری است: الف. از زنان نمونه صدر اسلام و الگوی ایمان، جهاد در راه خدا، هجرت، بصیرت و صبر در عرصه های ایدئولوژیکی و سیاسی و اجتماعی است. ب. مادری نمونه، تأثیرگذار و کارآمد در کانون خانواده و اجتماع است، آن هم مادر مرکز حقیقت، فلك حکمت، منبع معرفت و تجسم عدالت در ساحت های عقلانی، اخلاقی و اجتماعی؛ یعنی قطب عارفان، امیرمؤمنان، پیشوای پارسایان، الگوی مجاهدان، اسوه عابدان و زاهدان حضرت علی(علیه السلام)، که مردم داری و حکمت و حکومت از امتیازات برجسته و منحصر به فرد ایشان می باشد و جامعه اسلامی و بشری همواره، بخصوص در عصر جدید، محتاج و مشتاق چنین اسوه های جاودانه انسانی است که فراتر از زمان و زمین و زبان توانسته است نقش مهم و تعیین کننده ای در تاریخ ایفا نماید.

### ابعاد شخصیتی

از شخصیت فاطمه بنت اسد(علیها السلام) می توان در دو بخش مباحثی را مطرح نمود:

1. شخصیت حقوقی او در ارتباط با پرورش، سرپرستی و حق مادری عقل کل، هادی سبئل، خاتم رسل، بشیر و نذیر، یعنی محمد مصطفی(صلی الله علیه وآله) و فرزند یگانه ای است که تشبیه

تام و کامل به خدای سبحان پیدا کرد و باید اعتراف نمود که بشر معمولی عاجز از ادراک مقامات غیبی و فتوحات معنوی و وجودی اوست؛ یعنی علی (علیه السلام) که خود را «عبد من عبید محمد (صلی الله علیه وآله)» می نامد. شخصیتی همچون فاطمه بنت اسد (علیها السلام)، که مادر حقیقی علی (علیه السلام) و ایفاگر نقش مادری برای محمد رسول الله (صلی الله علیه وآله) می باشد، از بزرگ ترین افتخارات، امتیازات و شرافت وجودی آن «بانوی نمونه»، مادری اسوه و زنی اهل ایمان و عمل صالح می باشد که مصداق بارز (مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أَنْثَىٰ فَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّهٗ حَيَاةً طَيِّبَةً) (نحل: 79) است.<sup>(۱)</sup>

2. شخصیت حقیقی فاطمه بنت اسد (علیها السلام) در حنیف بودن، حقگرایی و توحیدش ظهور یافته است. او پیش از بعثت پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله) بر دین نیایش ابراهیم (علیه السلام) بود؛ چنان که همسرش ابوطالب (علیه السلام) نیز دین حنیف و توحید ابراهیمی (علیه السلام) را داشت<sup>(۲)</sup> و پس از بعثت نبی اکرم (صلی الله علیه وآله) نیز از اولین زنانی بود که به اسلام گرایش پیدا کرد و با پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله) پس از خدیجه (علیها السلام) به عنوان نخستین زن بیعت نمود<sup>(۳)</sup> و ابوطالب (علیه السلام) نیز که همسر فاطمه (علیها السلام) بود، در قالب شعری چنین سروده است:

وَلَقَدْ عَلِمْتُ بَانَ دِينَ مُحَمَّدٍ \*\*\* مِنْ خَيْرِ أَدْيَانِ الْبَرِيَّةِ دُنْيَا<sup>(۴)</sup>

یعنی: هر آینه دانستم که دین محمد (صلی الله علیه وآله) از بهترین ادیان بشر در جهان است. و همو به فرزندش جعفر (وقتی دید پیامبر (صلی الله علیه وآله) در یکی از دره های مکه با علی (علیه السلام) نماز می خواند) گفت: پیش برو و طرف چپ پسر عمویت برای نماز بایست.<sup>(۵)</sup> حال آیا شخصیتی که پیش از ظهور اسلام بر آیین توحیدی و ابراهیمی و پس از ظهور اسلام از زمره اولین مسلمانان و پیروان آیین توحیدی محمد (صلی الله علیه وآله) قرار گیرد، دارای مقامات معرفتی، ایمانی، اخلاقی و تربیتی والایی نیست؟ چگونه زنی که این چنین در سایه سار بینش وحیانی و گرایش آسمانی زندگی کرده است، شایسته الگو شدن نباشد؟ انتخاب آگاهانه، آزادانه و مبتنی بر بیداری و پایداری آیین الهی از سوی فاطمه بنت اسد (علیها السلام) او را در مرتبه ای از انسانیت قرار می دهد که شایسته تکریم و تفضیل های سرور عالمیان محمد مصطفی (صلی الله علیه وآله) قرار گرفته و خدای سبحان او را لایق مادری علی (علیه السلام) برگزیده و در خانه خویش کعبه مکرمه جواز ورودش داده است، در حالی که مریم عذرا (علیها السلام) را چنین مقامی نداد، و این منزلت تنها از حضرت علی (علیه السلام) نیست که مولود کعبه است، بلکه از موقعیت ممتاز فاطمه بنت اسد (علیها السلام) نیز حکایت می نماید. اینک آیا شایسته تأمل و تدبّر نیست که مریم مادر عیسی (علیها السلام) صاحب مقام عبودیت، طهارت، رزق معنوی و بهشتی و مقام ولایت باشد<sup>(۶)</sup> و مادر حضرت علی (علیه السلام)، که کعبه بر او شکافته شد تا در پناه عنایات و افاضات عینی و رحمانی قرار گیرد، دارای منزلت عبودیت، طهارت، رزق معنوی، بهشتی و مقام ولایت نباشد؟<sup>(۷)</sup> مقام «ولایت» از رهگذر معرفت الهی، عبودیت الهی، محبت الهی، سرعت و سبقت در ایمان و عمل صالح حاصل می گردد که مقام فنای

در خدا و شهود ملکوت عالم و آدم و زمامدار مطلق هستی پیدا و پنهان یا شهادت و غیب است؛ (بیده ملکوت السموات والارض) (یس: 83)؛ (و کَذَلِكَ تُرَى اِبْرَاهِيمَ مَلَكُوتَ السَّمَوَاتِ وَالْاَرْضِ لِيَكُونَ مِنَ الْمُوقِنِينَ) (انعام: 75) ملکوتی که چشم عقل و دل فاطمه بنت اسد (علیها السلام)، بدان گشوده شد همان چیزی بود که وی را اهل حقیقت و یقین نمود.

## زندگی ظاهری و باطنی

فاطمه بنت اسد بن هاشم بن عبد مناف (علیها السلام)، با ابوطالب (علیه السلام) همسر و عموزاده اش و با رسول خدا (صلی الله علیه وآله) از يك تیره بودند.<sup>(1)</sup> او نخستین زن هاشمی ای بود که همسرش نیز از خاندان هاشم بود.<sup>(2)</sup> وی از زنان سابقه دار و مؤثر در تاریخ اسلام به شمار می آمد، او از حیث ایفای نقش مادری برای پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله) و ایمان و مقاومت در راه هدف توحیدی و الهی و هجرت از مکه به مدینه سرآمد و نمونه بود. به تعبیر ابوالفرج اصفهانی، او نخستین زنی بود که پس از نزول آیه (يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ إِذَا جَاءَكَ الْمُؤْمِنَاتُ يُبَايِعْنَكَ) (ممتحنه: 12) با پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله) بیعت کرد<sup>(3)</sup> و ابن ابی الحدید نیز به این مطلب، کاملاً معترف بوده است و اشاره کرده<sup>(4)</sup> که وی یازدهمین مسلمانی است که به اسلام گروید.<sup>(5)</sup> پس مصداق آیه مبارکه (يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ إِذَا جَاءَكَ الْمُؤْمِنَاتُ يُبَايِعْنَكَ عَلَىٰ أَن لَا يُشْرِكْنَ بِاللَّهِ وَلَا يَسْرِقْنَ وَلَا يَزْنِينَ وَلَا يَقْتُلْنَ أَوْلَادَهُنَّ وَلَا يَأْتِينَ بِبُهْتَانٍ يَفْتَرِينَهُ بَيْنَ أَيْدِيهِنَّ وَأَرْجُلِهِنَّ وَلَا يَعْصِينَكَ فِي مَعْرُوفٍ فَبَايِعْنَهُنَّ وَاسْتَغْفِرْ لَهُنَّ اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ) (ممتحنه: 12) است که به گفته ابن عباس آیه مزبور در مورد ایشان نازل شده.<sup>(6)</sup>

همچنین او مصداق آیه (وَالسَّابِقُونَ الْأَوَّلُونَ مِنَ الْمُهَاجِرِينَ وَالْأَنْصَارِ وَالَّذِينَ اتَّبَعُوهُمْ بِإِحْسَانٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ وَ رَضُوا عَنْهُ وَأَعَدَّ لَهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا ذَلِكَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ) (توبه: 100)<sup>(7)</sup> است. فاطمه بنت اسد (علیها السلام) از جمله زنان بزرگواری بود که فضیلت سبقت و مهاجرت را درک کرد و در آیه دوازدهم سوره ممتحنه، پس از اثبات صفت بیعت با پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله) بسیاری از صفات نکوهیده و رذیله، مثل شرك به خدا، دزدی، زنا، قتل فرزندان، افترا و بهتان و مخالفت با پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله) از او سلب شده اند. او از همه آن ها اجتناب کرد. او با پیامبر بیعت نمود که صفات رذیله یاد شده را انجام ندهد و از آن ها دوری کند. او حتی قبل از بیعت و نیز بعد از آن هرگز آلوده به آن صفات زشت نشد و از زنان مؤمن، موحد، پاک صورت و پاک سیرت بود؛ یعنی به مقام تخلیه و طهارت از ضد ارزش ها و صفات مذموم اخلاقی و رفتاری رسیده بود.

در آیه یکصد و سه سوره توبه نیز از «سبقت» و «هجرت» به عنوان امتیازات برجسته نام برده شده و در کنار آن فضیلت ها، از صفاتی بسیار مهم، بنیادین و معرفتی – معنوی، که از

عقیده، اخلاق و اعمال پاک حکایت می نمایند، نیز نام برده شده است؛ همچون پیروی از پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله)، رضایت خدای سبحان از آنان و رضایت آنان از خداوند متعال، آماده شدن بهشت برای آنان — که صفت بهشتی بودن را اثبات می نماید — و اینکه اهل فوز عظیم و رستگاری اند و فاطمه بنت اسد (علیه السلام) همه صفات سلبی و ثبوتی در آیات یاد شده را دارا بود؛ چنان که از حضرت جعفر بن محمد (علیه السلام) روایت شده است که فاطمه دختر اسد (علیها السلام) نخستین زنی بود که از مکه به مدینه با پاهای خود به سوی پیامبر (صلی الله علیه وآله) هجرت کرد و حضرت فرمود: «فاطمه دختر اسد مادر علی (علیه السلام) جزو یازده تن از "سابقون" در اسلام و از "بدریون" است و هنگامی که آیه (يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ إِذَا جَاءَكَ الْمُؤْمِنَاتُ يُبَايِعْنَكَ نَازِلَ شَدَّ، فاطمه نخستین زنی بود که با پیامبر (صلی الله علیه وآله) بیعت نمود.»<sup>(۱)</sup>

#### شکوه ایمان در بارگاه الهی

با توجه به مباحث پیش گفته، شخصیت ایمانی و الهی فاطمه بنت اسد (علیها السلام) تا اندازه ای روشن شد. در این فراز از نوشتار حاضر، توجه به ایمان این بانوی محترم به خدای تبارک و تعالی و پیغمبران الهی، حتی پیش از بعثت رسول خدا (صلی الله علیه وآله)، بر اساس حدیثی از اصول کافی در باب ولادت امیرالمؤمنین (علیه السلام)، که شیعه و سنی آن را نقل کرده اند، قابل توجه است که چگونه وقتی فاطمه بنت اسد (علیها السلام) درد زایمان بر او فشار آورد، به کنار خانه خدا آمد و با این چند جمله، شکوه ایمانش را در پیشگاه الهی و بارگاه قدس ربوبی متبلور ساخت و عرضه داشت:

«پروردگارا! من ایمان دارم به تو و به همه پیغمبران و کتاب هایی که از سوی تو آمده اند و گفتار جدّم ابراهیم خلیل را تصدیق کرده ام؛ همو که این خانه کعبه را بنا کرد. پروردگارا! به حق همان کسی که این خانه را بنا نهاد و به حق این نوزادی که در شکم من است، ولادت او را بر من آسان گردان.»<sup>(۱)</sup>

در حدیث یاد شده، چند نکته مهم متجلی اند: الف. ایمان به خدا و وحدانیت الهی؛ ب. ایمان به انبیای الهی (علیهم السلام)؛ ج. ایمان به ابراهیم خلیل الرحمن (علیه السلام)؛ د. ایمان به کتاب های آسمانی نازل شده بر پیامبران خدا؛ ه. ایمان به خانه خدا و قداست و عظمت آن؛ و. شناخت فرزندان حضرت علی (علیه السلام) و جایگاه و منزلت نزد خدای متعال؛ ز. توسل به انوار قدسی پیامبران، خانه خدا و شخصیت حضرت علی (علیه السلام). آیا این ها همه از معرفت، ادب و تکامل روحی و معنوی فاطمه بنت اسد (علیها السلام) حکایت نمی نمایند؟

در احادیثی دیگر، از شخصیت متعالی و هوشیار فاطمه بنت اسد (علیها السلام) نسبت به مقام و منزلت حضرت محمد و علی (علیهما السلام) سخن به میان آمده است.<sup>(۲)</sup> همچنین پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله) پس از دفن فاطمه بنت اسد (علیها السلام) به عمار فرمود: «به خدا سوگند! من از قبر فاطمه بیرون

نیامدم، جز آنکه دو چراغ از نور دیدم که نزد سر فاطمه آوردند و دو چراغ دیگر از نور نزد دست های او بود و دو چراغ از نور در کنار پاهایش و دو فرشته که بر قبر او گماشته شده بودند و تا روز قیامت برای او استغفار می کنند.»<sup>(۱)</sup>

نحوه عملکرد پیامبر اکرم(صلی الله علیه وآله) در مراسم وفات، کفن و دفن فاطمه بنت اسد(علیها السلام) در شناخت عمیق تر مقام والای او بسیار تنبّه آمیز و بصیرت بخش است؛ چنان که شیعه و سنی نقل کرده اند: رسول خدا در مراسم تشییع و کفن و دفن او حاضر شدند و تابوت او را بر دوش گرفتند و در حفر قبر نیز شرکت کردند و سپس داخل قبر گردیدند و در آن خوابیدند و آن گاه پیراهن خود را بیرون آوردند و دستور دادند فاطمه را در آن پیراهن کفن کنند و در قبر بگذارند.<sup>(۲)</sup> امیر المؤمنین(علیه السلام) فرمود: «چون فاطمه دختر اسد بن هاشم وفات کرد، رسول گرامی او را در پیراهنشان کفن کردند و بر او نماز خواندند و در نماز، بر او هفتاد تکبیر گفتند و وارد قبرش شدند و با دستانشان قبر را وسیع کردند و محکم گردانند. آن گاه از قبر خارج شدند، در حالی که اشک از دیده فرومی ریختند و با دستان خویش، خاک بر روی لحد ریختند.»<sup>(۳)</sup>

از سوی دیگر، فاطمه بنت اسد(علیها السلام) نیز هنگام ولادت پیامبر اکرم(صلی الله علیه وآله) به کمک آمنه(علیها السلام) مادر آن حضرت آمد و چون حضرت محمد(صلی الله علیه وآله) به دنیا آمد، نوری پدیدار شد که مابین شرق و غرب را فراگرفت و موجب تعجب و شگفت آن دو گردید و فاطمه بنت اسد(علیها السلام) داستان نوری را که مشاهده کرده بود، به ابوطالب(علیه السلام) بشارت داد.<sup>(۴)</sup> این موضوع نیز دست کم بر دو مطلب دلالت می نماید:

1. حضور فاطمه بنت اسد هنگام تولد پیامبر اکرم(صلی الله علیه وآله) و کمک به آمنه بنت وهب، مادر بزرگوار پیامبر اکرم(صلی الله علیه وآله)؛

2. شهود نور فراگیر و مسلط بر شرق و غرب عالم.

حال آیا نحوه رفتار پیامبر اکرم در وفات فاطمه بنت اسد(علیها السلام) و حضور عارفانه و شاهدانه او هنگام تولد پیامبر اکرم(صلی الله علیه وآله) بر والایی منزلت آن زن نمونه و قرب وجودی او نزد خدا و رسول خدا(صلی الله علیه وآله) دلالت نمی نماید؟

سیمای ایمانی - معرفتی

در این بخش، به پنج گفتار راهگشا و عمیق از پیامبر اکرم(صلی الله علیه وآله) درباره شخصیت فاطمه بنت اسد(علیها السلام) استناد می کنیم:

1. پیامبر اکرم(صلی الله علیه وآله) از فاطمه بنت اسد(علیها السلام) چنین یاد کردند: «او پس از ابی طالب، بهترین خلق خدا به لحاظ رفتار با من بود. او مادر دیگر من پس از مادرم بود. ابوطالب نیکی می کرد و صاحب سفره بود و فاطمه ما را بر طعامی که تهیه دیده بود، گرد

می آورد و از هر غذایی که بود، سهم مرا از دیگران بیشتر می داد تا دوباره برگردم.»<sup>۱</sup>

2. فاطمه بنت اسد(علیها السلام) شنید که پیامبر(صلی الله علیه وآله) می فرمودند: «مردم در روز

قیامت عریان حضور پیدا می کنند.»

فاطمه(علیها السلام) گفت: وای بر من از چنین کار وقیحی!

حضرت فرمودند: «من از خداوند درخواست می کنم تا شما را پوشیده برانگیزاند.»

همچنین فاطمه(علیها السلام) شنید که پیامبر درباره عذاب قبر سخن می گفتند. عرض کرد:

«وای از ناتوانی در آن روز!»

حضرت فرمود: «من از خداوند درخواست می کنم تا شما را از این بابت کفایت کند.»<sup>۱</sup>

3. رسول خدا(صلی الله علیه وآله) فرمود: «در قبرش خوابیدم تا فشار قبرش را سبک گردانم و

پیراهنم بر او پوشاندم تا از لباس بهشتی بپوشد.»<sup>۱</sup>

4. پیامبر گرامی(صلی الله علیه وآله) پس از تدفین فاطمه بنت اسد(علیها السلام) فرمودند: «فرشتگان افق را پر کردند و در بهشت را برای او (فاطمه) گشودند و فرش های بهشتی را برای او گسترده و ریحان بهشتی به ملاقات او آمدند و او در روح و ریحان و نعمت بهشتی غوطه ور است و قبرش باغی از باغ های بهشت است.»<sup>۱</sup>

5. پیامبر اکرم(صلی الله علیه وآله) فرمودند: «جبرئیل به من خبر داد که او اهل بهشت است و خداوند به هفتاد هزار فرشته امر کرده که بر او نماز بخوانند.»<sup>۱</sup>

در اینجا، به برخی از سخنان علما و اندیشمندان بزرگ اسلامی در خصوص شخصیت معرفتی، اخلاقی، ایمانی و معنوی فاطمه بنت اسد(علیها السلام) اشاره می کنیم:

الف. عبدالله بن عباس می گفت: «او نخستین زنی است که پیاده و با پای برهنه از مکه به مدینه هجرت کرد و نخستین زنی است که پس از خدیجه با پیامبر خدا(صلی الله علیه وآله) در مکه بیعت کرد.»<sup>۱</sup>

ب. زهری گفته است: «پیامبر خدا(صلی الله علیه وآله) فاطمه را دیدار می کرد و در خانه اش می خوابید. او زنی شایسته بود.»<sup>۱</sup>

ج. جمال الدین ابوالفرج عبدالرحمن بن جوزی می گوید: او زنی بود که اسلام آورد و از بانوان صالحه بود.»<sup>۱</sup>

د. سید محسن امین گفته است: «او از پیشگامان در اسلام و نخستین زن مهاجر به مدینه بود.»<sup>۱</sup>

در پایان، به دو نکته مهم در باب شخصیت فاطمه بنت اسد(علیها السلام) اشاره می کنیم:

1. فاطمه بنت اسد(علیها السلام) از زنان مهاجر به مدینه بود که به همراه حضرت علی(علیه السلام) و فاطمه زهرا(علیها السلام) به سوی پیامبر(صلی الله علیه وآله) حرکت کردند و در «ضجنان» در طول شبانه روزی که در آنجا توقف کرده بودند، حضرت علی(علیه السلام) آن شب را با «فواطم» یا به



نماز و یا به ذکر خدا در حال ایستاده و نشسته و خوابیده، به سر آوردند و تا سپیده دم چنین کردند. سپیده دم نماز صبح را حضرت علی(علیه السلام) با ایشان به جای آورد و پس از آن، منزل به منزل را با یاد خدا طی می کردند تا به مدینه رسیدند. وحی الهی پیش از ورود به مدینه، در شأن آن ها نازل شد: (الَّذِينَ يَذْكُرُونَ اللَّهَ قِيَامًا وَقُعُودًا وَعَلَىٰ جُنُوبِهِمْ وَيَتَفَكَّرُونَ فِي خَلْقِ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ) تا آنجا که در پاسخ آن ها آیه شریفه می فرماید: (فَاسْتَجَابَ لَهُمْ رَبُّهُمْ أَنِّي لَا أُضِيعُ عَمَلَ عَامِلٍ مِنْكُمْ مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أُنْثَىٰ). (آل عمران: 189 – 195) لفظ «ذَكَرَ» اشاره به حضرت علی(علیه السلام) و «انثی» اشاره بر فواطم (فاطمه بنت رسول الله، فاطمه بنت اسد(علیها السلام) و فاطمه بنت زبیر) دلالت دارد.<sup>(۱)</sup>

2. امام صادق(علیه السلام) فرمودند: «فاطمه بنت اسد، مادر امیرالمؤمنین(علیه السلام)، نخستین زنی بود که با پای پیاده از مکه به مدینه به سوی پیامبر خدا(صلی الله علیه وآله) هجرت کرد. او از نیکوکارترین مردم به پیامبر خدا(صلی الله علیه وآله) بود. شنید که پیامبر(صلی الله علیه وآله) فرمودند: روز قیامت مردم همانند روز تولد، عریان برانگیخته می شوند. ایشان از این عریانی ناراحت شد. پیامبر فرمودند: از خداوند می خواهم که تو را پوشیده محشور نماید. نیز شنید که پیامبر در باب فشار قبر می فرمودند. او از ناتوانی در آن روز شکوه کرد. حضرت فرمودند: از خدای بزرگ درخواست می کنم که شما را در این زمینه کفایت کند.»<sup>(۲)</sup>

اینک با توجه به مباحث مطرح شده، به چند اشارت درباره شأن و شخصیت حضرت فاطمه بنت اسد(علیها السلام) بسنده می نماییم:

اشارت اول: فاطمه بنت اسد(علیها السلام) دارای فکری نورانی و روحی لطف و درونی پاک بود که خدای سبحان توفیق ایمان حقیقی و عمل صالح به او بخشید و او را همسر ابوطالب(علیه السلام)، که مسلمانی فداکار، مجاهد و حامی همه جانبه پیامبر اکرم(صلی الله علیه وآله) بود، قرار داد<sup>(۳)</sup> و باطن الهی – توحیدی او را ظرف وجود و پرورش حضرت علی(علیه السلام) گرداند. پس او مصداق (بَلَدَةٌ طَيِّبَةٌ)(اعراف: 57) و (كَلِمَةٌ طَيِّبَةٌ) (ابراهیم: 22 – 24) بود. این وجود مبارک آیت کبری<sup>(۴)</sup> الهی شد؛ یعنی ابوالاثمه علی(علیه السلام) را در دامان خویش پرورش داد و پیامبر اکرم(صلی الله علیه وآله) نیز او را به منزله مادر خویش خواند.

اشارت دوم: فاطمه بنت اسد(علیها السلام) الگویی از زنان اهل بصیرت دینی، معرفت دینی و در عین حال، هجرت و جهاد در راه خدا و پایداری در راه اهداف توحیدی بود و در عین حال، اهل سبقت در ایمان نیز به شمار می رفت. پس علم و معرفت،<sup>(۵)</sup> تقوای الهی<sup>(۶)</sup> جهاد در راه خدا<sup>(۷)</sup> سبقت در اسلام و ایمان آوردن را،<sup>(۸)</sup> که از معیارهای فضیلت و برتری و مراحل تکامل علمی و عملی و سلوک معرفتی و معنوی است، دارا بود و بنا بر نص آیه قرآن، که در شأن حضرت علی(علیه السلام) و فواطم نازل شده است،<sup>(۹)</sup> اهل تفکر و تذکر و از جمله صاحبان لبّ و خردورزی بود. پس در حقیقت، وی تفسیر عینی و واقعی بر جمله «عقولُ النساءِ فی جمالهنّ و جمالُ الرجالِ فی عقولهنّ»<sup>(۱۰)</sup> نیز به

شمار می رفت. پس، از نبوغ فکری و فرهنگی، بینش سیاسی و اجتماعی، طهارت فکری و فعلی برخوردار بود؛ همچون حضرت خدیجه(علیها السلام) و سمیه آل یاسر در راه تعالی ایمان و ترویج ارزش های اسلامی تلاش ها و مجاهدت های فراوانی داشتند و دوشادوش پیامبر اکرم(صلی الله علیه وآله) و حضرت علی(علیهما السلام) و مجاهدان و مهاجران در راه اسلام کوشش نمودند و در دوران غربت اسلام، از آن حمایت کردند. و این مقام معنوی بسیار ستودنی و مهم است.<sup>(۱)</sup>

اشارت سوم: فاطمه بنت اسد(علیها السلام) در اثر صلاحیت فکری و روحی و استعداد درونی و ظرفیت وجودی اش، شایسته این مقام منیع بود که از انوار و لمعات ملکوتی و رحمانی دو انسان کامل، که صاحبان مقام ممتاز نبوت و ولایت بودند، یعنی حضرت محمد مصطفی(صلی الله علیه وآله) و حضرت علی مرتضی(علیه السلام)، بهره های وافی و کافی ببرد و چون مریدی گرد وجود آن مرادهای جاودانه الهی بگردد و سلوک خلقی و خلقی، تجلی تکوینی و تهذیبی، جذبه سلوکی و سلوک جذبه ای خویش را مرهون و مدیون آنان باشد. کمتر انسان های اهل فضیلت بوده اند که شایستگی یافته اند تا در پرتو هدایت، حمایت، ارشادها و اشارت های انسان های کاملی همچون پیامبر اکرم و حضرت علی(علیهما السلام) قرار گیرند و چه شگرف و شگفت و در عین حال، شیرین و دلنشین است که پیر راه و خضر طریق و مرشد حکیم انسان سالکی همچون فاطمه بنت اسد(علیها السلام)، پیامبر و علی(علیهما السلام) باشند که پدران امت اند! و چه زیبا و صادقانه فاطمه بنت اسد(علیها السلام) مرید و شاگرد آنان شد و تعالی وجودی و رقای معنوی و معرفتی یافت و جاودانه تاریخ گردید و تشبّه و تخلّق به اسوه های حسنه جست و خود اسوه ای برای سالکان کوی حقیقت و اسلام مداران و دین داران گشت.

اشارت چهارم: فاطمه بنت اسد(علیها السلام) جامع عقل و دل و معرفت فکری و باطنی بود و پذیرش توحید پیش از بعثت نبی اکرم(صلی الله علیه وآله) و قبول اسلام پس از بعثت و نثار و ایثار در راه دین و دین داری و شهود انوار غیبی هنگامه تولد سید کائنات عالم و عقل کل و خاتم رسل و توسل به نوزاد در رحم هنگام ولادت حضرت علی(علیه السلام) در خانه خدا گواه صادقی بر این حقیقت است که او مصداق بارز آیت کریمه (إِنَّ فِي ذَلِكَ لَذِكْرٍ لِمَنْ كَانَ لَهُ قَلْبٌ أَوْ أَلْقَى السَّمْعَ وَ هُوَ شَهِيدٌ)<sup>(۱)</sup> است و از چشم و دل شهودی و گوش جان برای درک حقایق و ترنمات و نغمات غیبی برخوردار بود و توانست از دو چشم و دو گوش و دو قلب خویش<sup>(۱)</sup> یعنی قوای ظاهری و باطنی وجود خود بهره کافی و شافی ببرد.

اشارت پنجم: فاطمه بنت اسد(علیها السلام) مؤید به تأییدات الهی و قدسی بود و کتاب علم او را پیامبر اسلام امضا کرد و بهشت، جایگاه او و فرشتگان، استقبال کننده اش بودند و از چنان موقعیتی برخوردار بود که در تشییع جنازه اش، پیامبر جنازه او را بر دوش گرفت و همچنان زیر جنازه اش بود تا به قبر رسید و جنازه را بر زمین نهاد و داخل قبر شد و در آن خوابید و آن گاه



برخاست و جنازه اش را در قبر نهاد و سپس سر خود را به طرف او خم کرد و مدتی طولانی سخنانی با او گفت و در آخر، سه بار به او فرمود: پسرت! آن گاه بیرون آمد و خاک بر روی قبر ریخت و سپس خود را روی قبر او انداخت و حاضران شنیدند که می فرمود: «لا اله الا الله اللهم اِنِّي اسْتَوْدِعُهَا اَبَاكَ»؛ معبودی جز خدای یکتا نیست، پروردگارا! او را به تو می سپارم.<sup>(1)</sup>

نتیجه آنکه فاطمه بنت اسد(علیها السلام) به حقیقت، مصداق (إِلَيْهِ يَصْعَدُ الْكَلِمُ الطَّيِّبُ وَالْعَمَلُ الصَّالِحُ يَرْفَعُهُ) (فاطر: 10) بود و از زنان نمونه صدر اسلام و پیشگامان عرصه ایمان، توحید، جهاد و هجرت به شمار می رفت و شخصیت برجسته دینی در دو حوزه درك دینی و درد دینی و شایسته الگوپذیری و اسوه گیری برای همه اصحاب اسلام و بخصوص زنان و دختران مسلمان در دوران کنونی است. امید است جامعه اسلامی و علوی، بخصوص نسل جوان، با این بانوی مسلمان و نمونه بیش از پیش آشنا شود.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی